

تربیت دینی و راهکارهایی جهت ارتقا آن در

تعلیم و تربیت ایران

زهره رسولی

چکیده :

یکی از جنبه‌های مهم تربیت که در نظام آموزش و پرورش کشور دارای اهمیت است، تربیت دینی است. تربیت دینی ناظر به تمامی جوانب زندگی دنیوی و اخروی انسان است. این پژوهش با روشی تحلیلی و قیاس عملی در صدد شناسایی راهکارهای توسعه تربیت دینی مبتنی بر ساحت‌های تربیتی بر اساس ساحت‌های تربیتی است که عبارتند از: ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی، ساحت تربیت زیستی و بدنی، ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری، ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، ساحت تربیت علمی و فناوری. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که مولفه‌های گوناگونی را می‌توان در زمینه تربیت دینی استنتاج نمود که عبارتند از هویت دینی، انتخاب آگاهانه، تلاش برای ارتقای معنوی، خودشناسی، حفظ کرامت و عزت نفس و... است.

واژگان کلیدی: تربیت معنوی، اصول تربیت معنوی، تربیت معلم.

۱- مقدمه

تربیت انسان و چگونگی دستیابی او به کمال، از دیرباز، همواره مورد علاقه‌ی هر اندیشمند و نظریه‌پرداز بوده است (هاشمی اردکانی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۲). تربیت از نظر لغوی، به معنای پرورتن، پروراندن، پرورش دادن، ادب و اخلاق به کسی یاد دادن (عمید، ۱۳۶۲، ص ۳۱۱) همچنین، به معنای پروراندن و پرورش دادن و بارآوردن می‌باشد (مطهری، ۱۳۶۶). اما در اصطلاح، تعاریف زیادی از تربیت ارائه شده است که برخی از مهم‌ترین آنها از این قرار است؛ جولز سیمون، تربیت را این‌گونه تعریف می‌کند «تربیت، طریقه‌ای است که عقل به - وسیله‌ی آن، عقل دیگر و قلب، قلب دیگر می‌شود» (ادیب علی، ۱۳۷۹، ص ۸۴). امیل دورکیم، تربیت را با رویکرد جامعه - شناختی ویژه‌ی خود تعریف می‌کند. از نگاه وی، تربیت، «آن عملی است که به وسیله‌ی آن، نسلی بالغ و رسیده، نسلی را که هنوز برای زندگی، پختگی لازم را ندارد، متأثر می‌کند و هدفش، برانگیختن و گسترش حالت‌های جمعی، عقلی و اخلاقی متربی است» (رفیعی، ۱۳۸۱، ص ۹۱). اتحادیه‌ی بین‌المللی آموزش و پرورش، تربیت را فراهم کردن رشد کامل توانایی‌های هر شخص به عنوان فرد و نیز به عنوان جامعه‌ای مبتنی بر همبستگی و تعاون دانسته است. تربیت از تحول اجتماعی جدایی‌ناپذیر بوده و یکی از نیروهای تعیین‌کننده‌ی تحول است. بنابراین هدف تربیت و روش‌های آن باید به‌طور دائم با پیشرفت شناخت کودک و انسان و جامعه که حاصل علم و تجربه است، مورد بازنگری قرار گیرد (میلاره^۱ و ژان، ۱۳۷۰). شهید مطهری، تربیت را پرورش دادن و به فعلیت رساندن استعدادها و ایجاد تعادل و هماهنگی میان آنها می‌داند، تا از این‌راه، متربی به حد بالای کمال (شایسته‌ی خود) برسد (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۹۰). تربیت، بر پرورش استعدادهای انسانی، یعنی فراهم کردن زمینه‌ی رشد استعدادهای آدمی دلالت می‌کند و در عین حال از امور ضروری و حیاتی انسان است؛ به‌طوری که انسان، بدون تربیت هیچ چیز ندارد (صالحی و تهامی، ۱۳۸۸، صص ۷۷-۷۸). این تعاریف در عین تعدد، در این جهت توافق دارند که تربیت؛ مجموعه‌ی تدابیر و روش‌هایی است که برای به فعلیت درآوردن ابعاد گوناگون انسان

^۱ - Mialare

به کار گرفته می‌شود (شعاری نژاد، ۱۳۷۶ و شریعتمداری، ۱۳۸۶). با توجه به این تعریف، مربی باید ابعاد انسان را بشناسد، تا بتواند جریان تربیت را بر اساس سرشت و فطرت او انجام دهد (مزینانی، ۱۳۸۲).

بر همین اساس مساله این پژوهش آن است که علی‌رغم تاکیدهای زیاد بر لزوم تربیت دینی و همچنین اهمیت آن در متن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، اما نسبت به تبیین دقیق مولفه‌های تربیت دینی بر اساس اهداف ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول بنیادین پژوهشی صورت نپذیرفته است و موجب کج‌فهمی نسبت به مفهوم و مولفه‌های تربیت دینی گردیده است. بر همین مبنا این ضرورت احساس می‌گردد تا نسبت به تبیین دقیق مولفه‌های تربیت دینی اقدام گردد.

۲- چستی تربیت دینی :

«تربیت» در لغت به معنای پرورش دادن و پروراندن است، پروراندن هر چیزی، به کمال رساندن آن است تا تمامی قابلیت‌های آن شکوفا گردد. در اصطلاح، تربیت انسان به معنای فراهم آوردن زمینه رشد و پرورش استعدادها و برای رسیدن به کمال مطلوب است. البته تعریف «تربیت» در اصطلاح هر مکتبی، بسته به نگاه آن به انسان متفاوت است (حسینی دهشیری، ۱۳۷۰،

ص ۹۶) آنچه در کتاب‌های موجود در مورد دین و تربیت به چشم می‌خورد، فقدان ارائه معنایی معین از دین و تربیت از سوی علما و دانشمندان است. از این رو به طور طبیعی نظرهای متعددی درباره مفهوم تربیت دینی ابراز شده است. دائرة المعارف بین المللی تربیت، تربیت دینی را چنین تعریف می‌کند: تدریس منظم و برنامه ریزی شده که هدف از آن دستیابی فرد به اعتقاداتی درباره وجود خداوند، حقیقت جهان هستی و زندگی و ارتباط انسان با پروردگار و دیگر انسان‌هایی که در جامعه با آن‌ها زندگی می‌کند و بلکه با همه آحاد بشر است (مشایخی‌راد، ۱۳۸۰، ص ۷۰). مفهوم تربیت دینی و کارکرد آن متأثر از مجموعه عواملی است که مهم‌ترین آن جایگاه خدا در دین و در رتبه ایمان به روز قیامت و جزای الهی است. در تربیت اسلامی اهتمام کافی به گستره معرفتی می‌شود، اما از نظر آن، هدف معرفت و آگاهی کافی نیست. حقیقت در صورتی نتیجه می‌دهد که با قلب

ارتباط پیدا کند و با فرد در ساخت دیدگاه های مثبت شریک باشد. هر چند برخی ها با يك رویکرد و معنی کلی، تربیت دینی را به فراهم آوردن زمینه رشد و پرورش اخلاق، احکام و اعتقادات جاری دینی که لازمه آن، آموزش این مسائل است، تعریف می کنند.

دین، نوعی زندگی است و تربیت دینی، فرآیندی است که آدمی را برای نحوه خاصی از حیات (به تعبیر علامه جعفری، حیات معقول) مهیا می سازد (حسینی، ۱۳۷۹، ۱۸۹). این نحوه زندگی، بر مبنای اصول، قواعد و راهبردهای از پیش تعیین شده ای شکل می گیرد که از طریق دین و عقاید و شریعت به آدمی عرضه شده است.

مروری بر مفاد متون دینی و فرهنگی، ما را با این واقعیت غیرقابل انکار روبرو می سازد که دین (اسلام)، یک پدیده جهانی است و در تجربه تاریخی خود همواره برای جهانی شدن کوشیده است و امروزه نیز دین دارن و پیروان آئین حنیف اسلام باید برای جهانی شدن آن بکوشند. آیات قرآنی به صراحت یا به صورت غیرمستقیم از جهانی بودن رسالت پیامبر(ص) و محدود نبودن آن به عصر مشخصی سخن گفته و نگاه جهانی دین را حکایت کرده است (انبیاء / ۱۰۷).

همانند تربیت و دین، برای تربیت دینی نیز تعارف مختلفی ارائه شده است. برخی تربیت دینی را آموزش برنامه ریزی شده و نظام مند باورهای مربوط به خدا و جهان و آموزش برنامه ریزی شده و نظام مند عبادات و مناسک، اخلاقیات، هدف و معنای زندگی دانسته اند (توماس، ۱۳۷۹).

زارعان (۱۳۷۹) میگوید: گاه از تربیت دینی، تربیت به معنی اعم اراده می شود. این معنی شامل همه ابعاد تربیتی در یک بستر دینی شده و می توان آن را با تربیت اسلامی مترادف دانست. منظور این است که کودک، نوجوان یا جوان مسلمان به گونه ای آموزش ببیند و تربیت شود که شخصیت او با اهداف دینی مطرح شده در قرآن شریف و روایات، همگونی داشته باشد و نهایتاً آن گونه باشد که بتوان او را مسلمان به معنای واقعی کلمه دانست. گاهی از تربیت دینی، به تربیت به معنی الاخص یاد می کنیم. در این اصطلاح، در بین همه ابعاد تربیتی، به رشد معنوی و اعتقادی توجه ویژه ای می شود و بدین وسیله سایر ابعاد تربیتی و حتی بُعد اخلاقی

از بحث خارج می‌شود. به منظور تمایز این بعد خاص تربیتی، این نوع تربیت دینی را تربیت ایمانی یا معنوی می‌نامیم. بر اساس این تعریف خاص، دیگر نمی‌توان در تبیین تربیت دینی، منابع اخلاقی را اصل قرار داد. آری اخلاق اسلامی از دین نشئت گرفته و در تعریف هدف و همچنین در راه رسیدن به آن از دین کمک می‌گیرد؛ اما سخن این است که می‌توان مسائل تربیت دینی را از مسائل تربیت اخلاقی جدا نمود و برای هر کدام باب مستقلی باز کرد؛ مراد از این نوع آموزش و پرورش این است که شرایطی برای فرد مورد تربیت ایجاد شود تا نگرش او نسبت به خود، جهان اطراف و خالق این جهان بر اساس آنچه «خود» می‌یابد و فطرت او اقتضا می‌کند رشد کرده و آنچه را که لازمه پیمودن این مسیر است فراگیرد. به دیگر سخن، همچنان‌که این معنا از تربیت دینی را تربیت ایمانی نامیدیم، مراد این است که شرایطی برای تربی فراهم آید تا ایمان او تقویت شود و جایگاه خود را در کل مجموعه هستی بازیابد.

هدف تربیت دینی آن است که افراد جامعه را در فهم دین یاری رساند تا آن‌ها بتوانند آگاهانه درباره آن بیندیشند. این کار زمانی ممکن است که اذهان و عواطف آدمی، درهای خود را به روی دین نبندند و تصور نشود که دین چیزی منسوخ و مطالعه آن فاقد ارزش است؛ بنابراین تنها راه سعادت‌مند شدن انسان، بهره‌مندی او از تعلیم و تربیت دینی است (رحیمی، ۱۳۸۰، ص ۴۱).

به طور کلی، تعریف تربیت دینی به منظور آشنا ساختن افراد با جریان کسب معرفت ایمانی و عقاید دینی است و همچنین پذیرش سنت‌ها و اعمال دینی، توجه به ملاحظات اخلاقی و رفتاری مورد تأیید دین و به عبارت دیگر ایجاد یا پرورش ایمان در افراد را در برمی‌گیرد. گریمیت در این زمینه می‌نویسد: «تعلیم و تربیت مذهبی به فعالیت‌هایی اشاره دارد که موجب پرورش ایمان در افراد می‌شود، به‌ویژه فعالیت‌هایی که به آشنا کردن کودکان و نوجوانان به هسته اصلی معرفت، ایمان و عقاید ایمانی و ... منجر می‌شود (خاکپور، ۱۳۸۱، ص ۱۴۹).

عده ای معتقدند: تربیت دینی عبارت است از مجموعه اعمال غیرعمدی و هدفدار، به نحوی که در آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه ها پایبند گردند (حسین زاده، ۱۳۸۰، ص ۲۶).

نظارت و مراقبت مستمر از دانش آموز باید در تمام مراحل وجود داشته باشد تا تلاش‌های معلم و دانش آموز به نتیجه برسد. همکاری و هماهنگی تمام معلمان و به کارگیری اصول تربیت ضروری است. هماهنگی و هم عقیده بودن همه‌ی معلمان ضمن تأیید حق بودن دین اسلام موجب یاد آوری و تکرار آموزه‌ها نیز می‌شود. در صورتی که معلمان در جهت تربیت دینی دانش آموزان با یکدیگر همانگ نباشند یا اصول تربیت را به درستی بکار نگیرند، موجب تنفر دانش آموز از دین می‌شود. کتب درسی نیز مانند یک معلم هستند. ارائه‌ی الگوها، استفاده از مطالب متنوع و نظرات شخصیت‌ها و مباحثی که دانش آموزان بیشتر به آن علاقه دارند، به شرطی که در جهت تربیت دینی باشد، غنی و مفید خواهد بود. در کتب درسی تربیت اعتقادی، اخلاقی و عبادی باید با توجه به ابعاد وجودی انسان صورت بگیرد تا منجر به تربیت دینی شود. تعارض در ارزش‌های کتب درسی، عدم توجه همه‌ی کتب به آموزه‌های دینی، متناسب نبودن متون با علایق دانش آموزان، به کار نگرفتن ابعاد و اصول تربیت و عدم توجه به ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری دانش آموزان، موجب آسیب به تربیت دینی دانش آموزان خواهد شد. گروه همسالان و دوستان از طریق ارائه‌ی الگو، تشویق و تنبیه، ارزیابی رفتارهای اعضاء و مبادله‌ی اطلاعات بر ارزش‌های یکدیگر اثر می‌گذارند. دانش آموزانی که ارزش‌های دینی در آنها نهادینه شده است، به تربیت دینی سایر دانش آموزان کمک کرده و دانش آموزانی که ارزش‌هایشان ضد دینی است موجب آسیب به تربیت دینی سایر دانش آموزان می‌شوند. تعارض در آموزه‌های معلم، کتب درسی و دوستان موجب آسیب به تربیت دینی دانش آموزان می‌شود. همچنین تعارض در شیوه‌ی تربیتی مدرسه و خانواده و سایر نهادهای اجتماعی، موجب سردرگمی دانش آموز و در نهایت آسیب به تربیت دینی او می‌شود.

پیشنهادهای کاربردی

پیشنهاد به آموزش و پرورش

۱. استفاده از دبیران مؤمن و آگاه به مبانی دینی ۲. برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت جهت افزایش معلومات

معلمان در زمینه تربیت دینی ۳. برگزاری دوره‌های ضمن خدمت جهت آشنایی با اصول تربیت دینی دانش آموزان.

پیشنهاد به مدیران مدرسه

۱. برگزاری جلسات انجمن اولیاء و مربیان و دعوت از مشاوران مجرب برای آموزش چگونگی تربیت دینی به خانواده ها. ۱. نظارت بر اخلاق، رفتار و شیوهی آموزش معلمان و برگزاری جلسات با آنان جهت یادآوری، تذکر و بررسی عملکرد آنان.

پیشنهاد به معلمان

۱. افزایش مطالعات و توانایی‌های خود برای تربیت بهتر دانش آموزان. ۲. توجه به ابعاد وجودی انسان و بکارگیری این ابعاد در تربیت اعتقادی، اخلاقی و عبادی دانش آموزان. ۳. ارتباط مباحث درسی با معارف دینی و جبران ناگفته‌های کتاب. ۴. تغییر شیوهی ارزشیابی دروس دینی از حالت حفظی به عملی و تحلیل مفاهیم. ۵. استفاده از داستان و ارائه‌ی الگو در جهت درک بهتر معارف دین. ۶. گروه بندی دانش آموزان برای افزایش اختیارات و عزت نفس آنها.

توصیه به خانواده‌ها

۱. نظارت بر رفت و آمد فرزندان و دوستان آنها و جلوگیری از رفت آمد با افراد ناشایست. ۲. همراهی با فرزندان برای شرکت در مراسم مذهبی، روزه ها و جلسات دینی. ۳. افزایش مطالعات در زمینه‌ی دین و تربیت دینی و زمینه سازی در فرزندان جهت آمادگی برای پذیرش دین.

پیشنهاد به برنامه ریزان کتب درسی

۱. استفاده از نظرات دانش آموزان در تدوین کتب درسی. ۲. توجه به ابعاد وجودی انسان و ارائه‌ی تربیت اعتقادی، اخلاقی و عبادی متناسب با این ابعاد در کتب دینی و غیر آن. ۳. استفاده از لحن روان، تمثیل، الگو و داستان‌های واقعی. ۴. ارائه‌ی تمرین‌هایی که به افزایش قدرت تعقل و تفکر دانش آموز می‌انجامد. ۵. ارتباط منطقی مطالب کتب دینی و سایر کتب با معارف دینی.

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. احمدی، احمد (۱۳۸۴). اصول و روش های تربیت در اسلام. انتشارات دانشگاه اصفهان. چاپ هشتم.
۳. ادیب علی، محمدحسین (۱۳۷۹)، راه و روش تربیت از دیدگاه امام علی علیه السلام، چاپ اول، انتشارات مؤسسه انجام کتاب، تهران.
۴. اکبرزاده، مرتضی (۱۳۹۵). تعریف و اهداف تربیت اسلامی، تهران. انتشارات موسسه کتاب.
۵. باقری، خسرو (۱۳۸۶). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. جلد دوم. انتشارات مدرسه. تهران
۶. تعلیم و تربیت دینی (مجموعه مقالات)، ترجمه مشایخی راد، شهاب‌الدین، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰
۷. تلخابی، محمود (۱۳۹۵). رویکرد شناختی به تربیت دینی، دوفصلنامه فلسفه تربیت، سال دوم، صص ۹۰-۷۱.
۸. توماس، آر. ام (۱۳۷۹). تربیت دینی. ترجمه سید محمد صادق موسوی نسب قمی. معرفت. ش ۳۳. صص ۲۲-۳۱.
۹. حاجی ده آبادی، محمد علی (۱۳۸۵)، آسیب‌شناسی تربیت دینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۰. حسین زاده، علی (۱۳۸۰). سیره تربیتی پیامبر و ائمه اطهار (ع). قم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۱. حسینی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۹): تعلیم و تربیت اسلامی؛ تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۲. حسینی دهشیری، افضل السادات (۱۳۷۰)، نگرشی به تربیت اخلاقی از دیدگاه اسلام، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۳. خاکپور، مسعود (۱۳۸۱)، «مبانی نظری آسیب‌شناسی تربیت دینی در نوجوانان و جوانان»، مجموعه مقالات آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش؛ تهران: موسسه فرهنگی محراب قلم.

۱۴. داوودی، محمد (۱۳۸۴)، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع). جلد دوم تربیت دینی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. قم.
۱۵. رحیمی، علی رضا (۱۳۸۳)، تعلیم و تربیت دینی، معرفی رویکرد بصیرت‌گرا؛ نشریه رشد آموزش ابتدایی؛ شماره ۴.
۱۶. رفیعی، بهروز (۱۳۸۱)، آرای دانشمندان مسلمان در مبانی تعلیم و تربیت، جلد چهارم، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.
۱۷. زارعیان، محمدجواد (۱۳۷۹)، «تربیت دینی، تربیت لیبرال»؛ نشریه معرفت، شماره ۳۳.
۱۸. سند فلسفه تربیت جمهوری اسلامی ایران (چارچوب نظری سامان دهی و هدایت انواع تربیت) (۱۳۸۸). گزارش تلفیق نتایج مطالعات نظری. تهران. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۹. شریعتمداری، علی (۱۳۸۶)، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، چاپ سی و دوم، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۲۰. شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۶۴)، فرهنگ علوم رفتاری، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۲۱. شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۶)، فلسفه آموزش و پرورش، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ چهارم.
۲۲. شکوهی، غلام حسین (۱۳۷۵)، مبانی و اصول آموزش و پرورش، انتشارات آستان قدس رضوی، ص ۱۶۱.
۲۳. عمید، حسن (۱۳۶۲)، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ دوم.
۲۴. کشاورز، سوسن (۱۳۸۷)، شاخص‌ها و آسیب‌های تربیت دینی، دوفصلنامه تربیت دینی، سال سوم، صص ۹۳-۱۲۲.
۲۵. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰)، تهران، دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
۲۶. مزینانی، محمدصادق (۱۳۸۲)، روش‌های تربیتی سیاسی کارگزاران از منظر امام علی علیه السلام، حکومت اسلامی، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۲۷-۳۹.
۲۷. مطهری، مرتضی (۱۳۶۶)، جاذبه و دافعه‌ی امام علی علیه السلام، انتشارات صدرا، تهران.

۲۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱)، تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات صدرا، تهران.
۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، مجموعه آثار، ج ۳، تهران: انتشارات صدرا.
۳۰. موسوی، سید علی (۱۳۹۱). تحلیل مفهوم تلقین در تربیت دینی، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۴۷، صص ۴۴-۶۶.
۳۱. میلاره، گاستون؛ ژان، یال (۱۳۷۰)، تاریخ جهانی آموزش و پرورش، ترجمه‌ی مجتبی‌رضا شجاع رضوی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، جلد ۱ و ۲.
۳۲. هاشمی اردکانی، سید حسن (۱۳۸۸)، عوامل تربیتی در مسیر کمال وجودی انسان از منظر نهج‌البلاغه، تربیت اسلامی، سال چهارم، شماره ۸، صص ۱۶۱-۱۷۹.